

## فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید- سال ششم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۹- شماره پيوسته ۳۰

بررسی تطبیقی معنایی و موسیقایی اتباع در کردی کلهری با زبان فارسی

(نمونه مورد مطالعه: گویش کلهری شهرستان‌های گیلان غرب و ایوان غرب) (ص ۵۱-۶۶)

[DOR:20.1001.1.2345217.1399.6.4.3.3](https://doi.org/10.23452/17.1399.6.4.3.3)

شهریار شادی گو<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)، مهدی احمدی خواه<sup>۲</sup>، فرهاد پروانه<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

گویش کردی کلهری یکی از گویش‌های شاخه جنوبی زبان کردی (زبان کردی دارای سه شاخه شمالی، مرکزی و جنوبی) است که بیشتر گویشوران آن در شهرستان‌های ایوان غرب و سرابله از توابع استان ایلام و اسلام‌آباد غرب و گیلان غرب در استان کرمانشاه سکونت دارند. از آنجا که مطالعات زبان‌شناسی، زبان کردی را جزو زبان‌های هم‌عرض زبان فارسی به شمار می‌آورد؛ مفاهیم، واژگان و ترکیبات این زبان نیز مانند زبان فارسی، برآمده از روابط و تناسب میان واژگان است که یکی از این تناسب‌ها وجود اتباع در زبان است. از این رو نگارندگان این پژوهش به شیوه تلفیقی - میدانی (گفتگوی مستقیم با گویشوران کلهری شهرستان‌های گیلان غرب و ایوان غرب) و با استناد به منابع کتابخانه‌ای (مراجعه به کتاب‌های معتبر مرتبط با گویش کلهری) به پژوهش حاضر پرداخته‌اند و برآنند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند: ۱- آیا در گویش کردی ایوان غرب و گیلان غرب اتباع وجود دارد؟ ۲- در گویش کردی ایوان غرب و گیلان غرب چه تناسبی میان واژه پایه و پیرو (تابع) وجود دارد؟ ۳- چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین اتباع در گویش کردی با اتباع در زبان فارسی وجود دارد؟ از نتایج حاصل شده این پژوهش آن است که از نظر کارکرد معنایی و از لحاظ ساختاری و موسیقایی، اتباع در گویش کلهری دقیق شبیه اتباع در زبان فارسی است؛ با این تفاوت که بسامد تقدیم تابع بر متبوع در اتباع کلهری نسبت به تقدیم تابع بر متبوع در زبان فارسی بیشتر است. تفاوت دیگر، وجود اتباع گردان در زبان کردی است که در زبان فارسی موردی از آن یافت نشد. این ریزتمایزات و اختلافات کاربردی، بیانگر آن است که زبان فارسی و کردی با تمام تشابه ساختاری، هم‌عرضی و اقتباس‌شان از یکدیگر، دو زبان مستقل از هم هستند و پرداختن به چنین تفاوت‌های ریز و نامحسوس می‌تواند وجهی از استقلال دو زبان را آشکارتر نماید.

کلمات کلیدی: کردی، گویش کلهری، ایوان غرب و گیلان غرب، اتباع، معنا و ساختار.

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران Email: kamyar137884@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام. Email: nima.ahamdi20@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان. Email: vahid\_farhad.parvaneh@yahoo.com

## ۱. مقدمه

گویش کردی کلهری یکی از گویش‌های زنده و پویای زبان کردی است که در مطالعات زبانی در شاخه جنوبی آن قرار دارد. این زبان (کردی) یکی از زبان‌های هم‌عرض زبان فارسی است. این دو زبان، پیوسته با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند و از یکدیگر اقتباس داشته‌اند. خانلری در این باره می‌گوید: «زبان‌هایی چون: زبان فارسی و زبان‌های هم‌عرض آن (کردی، لری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، طالشی و...) مدام در ارتباط باهم بوده‌اند و لغات و اصطلاحاتی از همدیگر اقتباس نموده‌اند» (خانلری، ۱۳۷۴: ۱۳۸). از این رو مفاهیم و معانی واژگان و ترکیبات این گویش نیز مانند زبان فارسی برآمده از روابط و تناسبات موجود واژگان است. یکی از این روابط، اتباع است. در تعریف اتباع دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول بر این عقیده است که اتباع جمع تابع (پیرو) است و تابع در اصطلاح دستور زبان، لفظی است که پیش یا پس از کلمه پایه (کلمه اصلی) یعنی؛ فعل، اسم، صفت و... آورده می‌شود تا معنی آن کلمه را تشدید کند و یا بار معنایی جدیدی به آن بیفزاید (مشیری، ۱۳۷۹: ۸/۱۸۶). دیدگاه دوم نیز بر آن است که اتباع، از ترکیب اسم یا صفت با هم‌وزن‌های بی‌معنی ساخته می‌شود که این هم‌وزن‌ها مهمل نام دارند. طبق این دیدگاه، افزودن لفظی مهمل و بی‌معنی به دنبال اسم یا صفت برای تأکید یا گسترش معنی پایه است (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۱۰۱). در دیدگاه اول، تمام ترکیبات پایه و پیرو (پیرو معنی دار و بی‌معنی) شامل اتباع می‌گردد. اما دیدگاه دوم، فقط ترکیباتی را اتباع می‌داند که پیرو آن‌ها بی‌معنی باشد. از این رو پژوهش حاضر با نظر به دیدگاه دوم، تنها ترکیباتی را که «پیرو» در آن‌ها فاقد معناست، اتباع به شمار می‌آورد و بر آن است تا با بررسی این نوع ساخت زبانی به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- ۱- آیا در گویش کردی ایوان‌غرب و گیلان‌غرب اتباع وجود دارد؟
- ۲- در گویش کردی ایوان‌غرب و گیلان‌غرب چه تناسبی میان واژه پایه و پیرو (تابع) برقرار است؟
- ۳- چه تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی بین اتباع در گویش کردی و اتباع در زبان فارسی وجود دارد؟

مقاله حاضر تنها به بررسی و مطالعه تطبیقی معنایی و موسیقایی اتباع در کردی کلهری با زبان فارسی می‌پردازد. هدف کلی این پژوهش، بررسی و مشخص نمودن موارد تطبیقی از جمله بار معنایی و موسیقایی اتباع در کردی کلهری با زبان فارسی است.

مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری در موضوع ایل کلهر، گویش کلهری و بررسی آن از دیدگاه‌های مختلف در طی سال‌های گذشته و اخیر نگاشته شده است. همچنین در زبان فارسی، پژوهش‌های زیادی در ارتباط با مقوله اتباع انجام‌گرفته است که در این بخش به برخی از این پژوهش‌ها که به نحوی با موضوع این مقاله مرتبط هستند اشاره می‌شود: فرهنگ اتباع از مشیری (۱۳۷۹) تهران، انتشارات آگاهان؛ مقاله «اتباع» از

علاءالدین طباطبایی که در دانشنامه زبان و ادب فارسی فرهنگستان منتشر شده است. در این دانشنامه، نویسنده انواع اتباع را از لحاظ دستور زبان بررسی نموده است؛ «اتباع و مهملات» از مصطفی ذاکری (۱۳۸۱)؛ نویسنده در این کتاب، انواع اتباع در زبان عربی و فارسی و واکاوی فرهنگ‌های فارسی و عربی‌ای را که به موضوع اتباع پرداخته‌اند، بررسی کرده است و نگاهی گذرا به پیشینه تاریخی این واژگان (اتباع) در متون نظم و نثر دارد. نویسنده این کتاب معتقد است که «اتباع در فارسی کهن و میانه و حتی در فارسی دری وجود نداشته است و شاید در ابتدا به تقلید از عربی و سپس به تبعیت از ترکی پیدا شده است» (ذاکری، ۱۳۸۱: ۱۴۳). پژوهشی دیگر در این زمینه «بحثی درباره اتباع» نوشته جعفر شعار است که در ۴ شماره مجله یغما در سال ۱۳۴۲ منتشر شده است. این مقاله اولین پژوهش در مقوله اتباع است (به نقل از کریمی قهی، ۱۳۹۷: ۱۱۷). همچنین می‌توان از مقاله «ساخت آوایی اتباع در زبان فارسی» از ایران کلباسی (۱۳۵۸) نام برد که در مجموعه مقالات هشتمین کنگره ایرانی منتشر شده است. کلباسی در این مقاله اتباع را به دو دسته پایه - تابع و تابع - پایه تقسیم می‌کند و به تفاوت‌های پایه و تابع از نظر اختلافات واک و واکه می‌پردازد. مقاله «اتباع در فارسی دبیرستان» از مرتضی اسماعیلی (۱۳۸۵) منتشر شده در مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی نیز یکی دیگر از پژوهش‌های این زمینه است. نویسنده در این مقاله، انواع اتباع از نظر مهمل و معنادار را از کتاب‌های ادبیات فارسی دبیرستان و پیش دانشگاهی در رشته علوم انسانی، تجربی و ریاضی فیزیک استخراج نموده است و در دسته‌های تابع و متبوع معنی‌دار، تابع و متبوع مهمل، تابع مهمل و متبوع معنی‌دار و بخش پاسخ‌گونگی تقسیم و بررسی نموده است. نمونه‌ای دیگر، مقاله «مقوله اتباع در لغت‌نامه دهخدا» از محمودی بختیاری و فرزانه تاج‌آبادی است که در فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی ارائه شده است (۱۳۹۱). نویسندگان در این مقاله به نقد زبانشناختی ترکیباتی که در چاپ اول لغت‌نامه دوجلدی (متوسط) دهخدا به عنوان «اتباع» آورده شده است، می‌پردازند و معتقدند که آن دسته از ترکیباتی که تابع و متبوع، هر دو معنادار هستند در مقوله اتباع قرار نمی‌گیرند بلکه ترکیبات عطفی و معنایی (جفت‌های دوتایی یا همپایه‌های دارای نظم ثابت) هستند. مقاله «اتباع در زبان و ادب فارسی» از منصوره کریمی قهی را نیز می‌توان نام برد که نویسنده در آن با رویکرد تاریخی و روش تحلیلی - تبیینی به پیشینه مرکب‌های اتباعی در زبان و ادب فارسی پرداخته است. نگارنده در پژوهش خویش به این نتیجه رسیده است که اکثر ترکیب‌های عطفی و ترادفی که از سده‌های اولیه تا قرن سیزدهم هجری قمری به عنوان اتباع معرفی شده‌اند؛ اتباع نیستند و نمی‌توان آن‌ها را جزء اتباع به شمار آورد؛ چرا که ترکیب عطفی مترادف هستند.

در زبان کردی نیز در مقوله اتباع تا آنجا که نگارندگان بررسی نموده‌اند، تنها یک پژوهش انجام گرفته است و آن مقاله «بررسی صوری و معنایی تکرار در گویش کردی سورانی» از محمد راسخ مهند و

مسعود محمدی‌راد است که نویسندگان برپایه دیدگاه موراوچیک (۱۹۷۸) به بررسی تکرار در گویش سورانی پرداخته‌اند و در آن، مقوله اتباع در قالب تکرار را بررسی کرده است. اما در ارتباط با موضوع حاضر «بررسی معنایی و ساختاری اتباع در کردی کلهری» تاکنون کار مستقلی انجام نگرفته است. داده‌های پژوهش حاضر، حاصل تحقیق میدانی و مصاحبه با ۵۰ نفر از گویشوران کلهری است که در رده سنی بین ۳۵ تا ۶۰ سال قرار دارند. همچنین این داده‌ها با شکل مکتوب آن‌ها در کتاب‌های منتشرشده‌ای چون «چیستان‌های ایلامی» از علیرضا شوهانی (بخش ایوان‌غرب)، «کلهرنامه» از ناهید محمدی، «ضرب‌المثل‌های ایلامی» از علی محمد سهراب‌نژاد، «فرهنگ باشور» از عباس جلیلیان مطابقت و مقایسه شده است. سپس پژوهشگران با سؤالات نیمه‌ساختارمند که از قبل طرح کرده بودند از مصاحبه‌شوندگان پاسخ خواستند. به علت این که مصاحبه‌های مربوط به نفرات آخر، بیشتر تکراری شدند؛ از ادامه مصاحبه با افراد دیگر خودداری شد و به همان حجم نمونه بسنده گردید.

## ۲. مفاهیم این پژوهش

### ۲-۱. ایل کلهر

ایل کلهر یکی از شعب اصلی ایل‌های کرد و از کهن‌ترین طوایف غرب ایران است. ایل کلهر بزرگ‌ترین ایل کرمانشاه و دومین ایل بزرگ ایران است. مردمان آن کردتبار هستند و به گویش کردی کلهری تکلم می‌کنند. ایوان‌غرب، گیلان‌غرب و اسلام‌آبادغرب پایتخت‌های اصلی ایل کلهر هستند (میرینا، ۱۳۶۸: ۲۷). زبان ایل کلهر، کردی با گویش کلهری است و مسکن آنان در غرب ایران، شهرستان ایوان‌غرب در استان ایلام و در استان کرمانشاه در شهرستان‌های گیلان‌غرب، اسلام‌آبادغرب، بخشی از کرمانشاه، سرپل‌ذهاب، قصرشیرین و بخشی از شهرستان‌های چرداول، دره‌شهر و سیروان در استان ایلام است و بیجار و قروه در کردستان و جغات و شاهین‌دز (چهاردولی‌ها) را شامل می‌شود و از طرف مغرب به خاک کردستان عراق، محدود می‌شود (گودزی، ۱۳۸۱: ۱۸).

### ۲-۲. گیلان‌غرب، ایوان‌غرب

شهرستان گیلان‌غرب از توابع استان کرمانشاه و در جنوب غرب آن واقع شده است. مردم این شهر، گُرد و از طایفه‌های مختلف ایل کلهر هستند. زبان مردم این شهر کردی و از شاخه کردی جنوبی است که با گویش کلهری و با لهجه مردم منطقه گیلان‌غرب ادا می‌شود. شهر گیلان‌غرب تنها شهری است که تمام ساکنان آن از ایل کلهر هستند.

شهرستان ایوان غرب، از توابع حوزه شمالی استان ایلام است. این شهر یکی از مراکز اصلی ایل کلهر در غرب کشور به شمار می‌آید که به گویش کلهری ایوانی تکلم می‌نمایند. گویش کلهری ایوانی دارای ۳۸ آوا شامل ۳۰ صامت و ۸ مصوّت است (دلشاد، ۱۳۸۶: ۳۵).

### ۲-۳. اتباع

در فرهنگ دهخدا در ذیل معنای اتباع، «پیروی کردن، از پس رفتن، باز پس داشتن و...» آمده و از نظر دستوری چنین تعریف شده است: دو لفظ بی‌یکدیگر آوردن بر یک روی و لفظ ثانی تأکید معنی لفظ اول باشد؛ مانند حُسن و بُسن، قبیح و شقیح. چنین تعاریفی، موجب گردیده که مشیری در تعریف اتباع، دچار خلط زبانشناختی و دستوری سنتی شود که در بسیاری از موارد، مثال‌های نادرست استفاده کرده و برای نمونه در بخش تابع و متبوع معنی دار، زمانی که به متضادها می‌پردازد، مثال «نام و ننگ» را بیاورد (ر.ک: بختیاری و تاج آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

کتاب‌های دستور در تعریف اتباع آورده‌اند: «در تداول عوام گاهی اسم‌هایی با هموزن‌های خود که غالباً معنی ندارند، ترکیب شوند و اسم‌های مهمل خوانده می‌شوند و آن‌ها را در اصطلاح ادب کلمات اتباع گویند؛ مانند چرت و پرت، هیر و ویر، قاطی پاتی و...» (مشکور، ۱۳۵۰: ۲۲). شریعت نیز اتباع را «اسم‌هایی با هموزن‌هایی بی‌معنی خود» می‌داند (شریعت، ۱۳۷۲: ۱۹۶).

گروهی گویند که اتباع از دو بخش «اصلی» و «تابع» یا «پایه» و «پیرو» ساخته می‌شوند. در این ترکیبات، واژه «پیرو» همیشه بی‌معنا و مهمل است و از واژه «پایه» تبعیت می‌نماید که واژه مهمل (پیرو) بار معنایی واژه پایه را شدت می‌دهد یا معنای جدیدتری به آن می‌افزاید. کلباسی در تعریف اتباع می‌گوید: گروهی از کلمات مرگب است که از دو جزء «پایه» و «تابع» تشکیل شده است که یکی از این اجزاء یا بی‌معنی است و یا در غیر معنی اصلی خود به کار می‌رود (ر.ک: کلباسی، ۱۳۵۸: ۳۶).

### ۳. بحث

در این پژوهش نگارندگان شواهدی از اتباع در گویش کلهری را گردآوری نموده‌اند و آن‌ها را از لحاظ معنایی، چینش و از دیدگاه موسیقایی تحلیل و بررسی می‌نمایند.

#### ۳-۱. نمونه‌هایی از ترکیبات اتباع در گویش کردی کلهری

در این بخش نمونه‌هایی از اتباع در گویش کردی کلهری ارائه می‌گردد و سپس به بررسی آن‌ها از جنبه‌های مختلف پرداخته می‌شود.

۱. نمونه‌هایی از ترکیبات اتباع در گویش کردی کلهری

واژه	تلفظ	معنا و مفهوم
بت بوور	bete bur	رنگ و رو رفته
بل باریک	bele barik	لاغر
بلّ برز	beḷe barz	بلند قد
بت پیر	pete pir	پیر
بت پیول	pete pyl	پول
پرت پیس	perte pes	کتیف، چلمن
پِر پَی	peře pæy	پا
پَلّ پووس	peḷe pus	پوست بی ارزش
پیت پروو	pite pařu	پارچه
جَلّ جائِلّ	jeḷe jayeḷ	جوان
چِر چَرْمِگ	tʃeře tʃarmeg	سفید رنگ و رو رفته
چک چلیس	tʃeke tʃeḷes	شکمو
خت خراو	xete xeraw	ویران
خت خیال	xete xeyaḷ	فکر و خیال
ختی متی	xeti meti	قلقلک
دزی مزی	dezi mezi	دزدی
دیوهت و میوهت	dywæto mywæt	دختر
زِرپ زِیان	zerpe zipan	بازی کودکانه، هیاهو
سروو پروو	seřu peřu	ماسمالی کردن
سَلّ سقان	seḷe seqan	استخوان
سَلّ سم	seḷe sem	پا و سُم
سیوله سیول	sywlæ sywl	یکسره اشک ریختن
شَلّ شوان	ʃeḷe ʃewan	چوپان، بی سواد و بی فرهنگ
شَلّ شیویاگ	ʃeḷe ʃywyag	دیوانه
شیت ویت	ʃete wyt	دیوانه

واژه	تلفظ	معنا و مفهوم
شیق شاق	ʃiqe ʃaq	داد و فریاد
قرچ قه یو	qertʃe qayw	چاق
قیچ ویچ	qitʃe witʃ	احول، لوچ
کەت کول	kæte kuł	کتف و شانه
گری فری	geʃi feʃi	بی‌قراری
گل گوش	geʃe guʃ	بناگوش
لک لیوه	leke lywa	دیوانه
مرچ میو	mertʃe marʃ	موی
مل میو	meʃe myw	موی
نه بی په ی بی	næyʃbi pæyʃbi	ندید بدید
وت ور	wete weʃ	گیج
وت ویل	wete weł	ولگرد
هاران پاران	haran paran	حرف بی‌ربط زدن

### ۳-۲. اتباع در گویش کردی کلهری از نظر معنایی

اتباع در گویش کلهری همانند اتباع در زبان فارسی برحسب معنی‌دار بودن یا مهمل بودن تابع به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- متبوع معنی‌دار + تابع بی‌معنی ۲- متبوع بی‌معنی + تابع بی‌معنی.

#### ۳-۲-۱. متبوع معنی‌دار و تابع بی‌معنی

در این نوع ترکیب، واژه پایه (متبوع) واژه‌های قاموسی و دارای معنا و مفهوم است و واژه پیرو (تابع) فاقد معنا است که واژه پیرو در تشدید بار معنایی و گسترش دامنه دلالت واژه متبوع، نقش بسزایی دارد. معمولاً وقتی که متبوع، از نوع دستوری صفت باشد؛ کارکرد تابع، تشدید بار معنایی صفت است و اگر متبوع از نوع اسم باشد؛ تابع، به گسترش دامنه دلالت واژه می‌پردازد.

- نمونه‌های فارسی فارسی: پخش و پلا، قاطی پاتی، شلوغ پلوغ، روده پوده، پول مول، جارو پارو و

....

- نمونه‌های گویش کلهری:

هه‌پ هه‌ول      hæpehawł      دست پاچه

واژه «هول» در کردی کلهری به معنای دست‌پاچه است. این واژه هنگامی که با تابع بی‌معنی «هپ» می‌آید، صفت دست‌پاچگی را شدت می‌بخشد و بار معنایی «بسیار دست‌پاچه‌بودن» و «هول شدن» را می‌رساند.

گیژ ویز                      gize wiʒ                      گیج، منگ

در ترکیب فوق واژه «گیژ» به معنی «گیج و منگ» است. اما زمانی که با واژه تابع «ویژ» همراه می‌گردد، صفت گیج‌بودن را تشدید کرده و به «بسیار گیج» تبدیل می‌نماید. پس در این نوع ترکیبات که تابع با صفت همراه است؛ کارکرد تابع، تشدید بار معنایی صفت است. همچنین در ترکیب زیر «مه‌له‌وه» در معنی پرنده است. اما چون همراه «په‌له‌وه» آمده‌است، بر تمام جانداران دلالت می‌کند:

مه‌له‌وه په‌له‌وه                      mælæwær pælæwær                      پرنده و دیگر جانوران

### ۲-۳. تابع و متبوع هر دو بی‌معنی

در این ترکیب، هم واژه متبوع و هم واژه تابع بی‌معنا هستند. اما ترکیب این دو جزء بی‌معنی، مفهوم تازه و معنای جدیدتری در زبان ایجاد می‌نماید.

-نمونه‌های فارسی فارسی: تقّ و توق، هانّ و هون، جلز و ولز و...

-نمونه‌های گویش کلهری:

فت فات                      fete fat                      سخن چینی

در ترکیب فوق، هیچ‌کدام از واژگان ترکیب شده معنا و مفهومی خاص در زبان ندارند. اما در گویش کلهری، همراهی آن‌ها با همدیگر مفهوم «دو به هم زنی و سخن چینی» را می‌رساند.

همچنین در ترکیب زیر، هر دو واژه (چه تابع و چه متبوع) بی‌معنا و مفهوم‌اند. در حالی که جمع این دو با هم، بر مفهومی تازه و حالتی خاص (تعلل در امری، کش و قوس دادن کاری) دلالت دارد.

خته خت                      xetæ xet                      تعلل، کش دادن کاری

ترکیب «جلیق فلیق» در زیر نیز بیانگر کارکرد ایجاد مفاهیم تازه و حالات خاص اتباع در گویش کلهری است:

جلیق فلیق                      jeliq feliq                      چنگ زدن چیزی

### ۳-۳. بررسی اتباع در گویش کلهری از نظر چینش تابع و متبوع

قاعدتاً تابع، باید پس از متبوع بیاید. اما گاهی در زبان فارسی، تابع پیش از پایه می‌آید و این جابه‌جایی در حقیقت با مفهوم اتباع منافات دارد. ایران کلباسی در مقاله «ساخت آوایی اتباع در زبان



فارسی) اتباع را به دو دسته پایه- تابع و تابع - پایه تقسیم می‌نماید و هر دسته را به چند زیرشاخه تقسیم می‌نماید:

گروه اول:

- ۱- گروهی که تفاوت پایه و تابع آن‌ها در همخوان آغازی است: خبر میر؛
  - ۲- گروهی که تفاوت پایه و تابع آن‌ها در واکه است: هان و هون؛
  - ۳- گروهی که تفاوت پایه و تابع آن‌ها در همخوان و واکه آغازی است: هارت و هورت؛
  - ۴- گروهی که تفاوت پایه و تابع آن‌ها در دو همخوان آغازی است: قرار مدار؛
  - ۵- گروهی که تابع آن‌ها از همخوان آغازی پایه و تابع یکسان است: پخش و پلا؛
- و گروه دوم (تابع- پایه) را به بخش‌های زیر تقسیم می‌کند:
- ۱- گروهی که تفاوت پایه و تابع آن‌ها در همخوان آغازی است: شر و ور؛
  - ۲- گروهی که تابع آن‌ها از همخوان آغازی پایه+ یکی از نیمه هجاهای ek, ak, am,... ساخته شده‌اند: دک و دنده؛
  - ۳- گروهی که تنها همخوان آغازی پایه و تابع یکسان است: دار و دسته (کلباسی، ۱۳۵۸: ۶۷).

### ۱-۳-۳. تأخیر تابع (جزء معنی‌دار+ تابع)

همان‌طور که گفته شد، با توجه به حقیقت معنایی اتباع و تابع، قاعدتاً تابع بایستی بعد از متبوع قرار بگیرد؛ به عبارت دیگر، اول جزء پایه و بعد جزء تابع بیاید.

-نمونه‌های فارسی: پاره پوره، چرب و چیل، لباس مباس، شلخته پلخته، چاخان پاخان، خبر میر و...

-نمونه‌های گویش کلهری:

ظروف (ظرف و ظروف)                      ?ajæt majæt                      نَاجَهتِ مَاجَهت

در ترکیب فوق (ناجهت) یعنی ظروف آشپزخانه و (ماجهت) نیز مهمل و تابع آن است که علاوه بر کارکرد موسیقایی (جناس اختلافی در حرف آغازین)، جهت گسترش دامنه دلالت واژه متبوع (به معنای تمام لوازم خانگی) آمده است. در این ترکیب، واژه متبوع مقدم و تابع به تبع و پیروی از آن آمده است.

در ترکیب زیر نیز («چنگر») که در معنای ناخن است اول آمده و تابع («منگر») یعنی ناخن و هر آنچه که همراه آن (انگشت و انگشتر و...) باشد؛ متأخر واقع شده است.

چنگر منگر                      tʃeŋer menŋer                      ناخن

همچنین «تیوک» به معنی «مو» متبوع و متقدم است و «تل» که تابع و مهمل است؛ به تبع آن ذکر شده است.

تیوک تل tyke tel مو ...

### ۲-۳-۳. تقدیم اتباع (اتباع+ جزء معنی دار)

گفتیم که تابع، قاعداً باید پس از متبوع واقع شود. اما در گویش کلهری اکثراً تابع بر متبوع مقدم می‌گردد. این ساخت اتباع و تقدیم تابع بر متبوع در گویش کردی کلهری، برعکس زبان فارسی است (ر.ک: جدول شماره ۱).

- نمونه‌های فارسی: برو بچه، آل و ادویه، کت و کلفت، دک و دنده، گل و گشاد، آت آشغال و ...

- نمونه‌های گویش کلهری:

در ترکیب زیر «کل» مهمل و «کهول» به معنای پوست است:

کل کهول kefe kæwɫ چرم و پوست

همچنین در ترکیبات زیر «گت» و «لپ» هر دو مهمل‌اند که پیش از واژگان معنی‌دار «گیا=گدا» و «لیخه‌روو= روده» قرار گرفته‌اند:

گت گیا gete geja گدا (گدا و گشنه)  
لپ لیخه‌روو lepelixæru روده (امعاء و احشاء)

### ۳-۳-۳. چینش دو وجهی اتباع (تقدیم و تأخیر)

در گویش کلهری، ساخت اتباع گاهی به شکل دو وجهی و گردان صورت می‌گیرد؛ یعنی تابع هم به پیش از متبوع واقع می‌گردد و هم بعد از متبوع به کار می‌رود. نگارندگان این پژوهش موردی از این نوع اتباع در زبان فارسی پیدا نکردند.

- نمونه‌های گویش کلهری:

ناز نیوز naze nyz گریه نازک  
نیوز ناز nyze naz گریه نازک

یا

چه‌فت چلّ tfæte tʃel کج و کوله  
چلّ چه‌فت tʃele tʃæt کج و کوله

۳-۴. بررسی اتباع در گویش کلهری از نظر موسیقایی

اتباع در گویش کلهری علاوه بر کارکرد معنایی، کارکرد موسیقایی نیز دارد و این ویژگی موجب توازن و آهنگین شدن کلام می‌گردد. در این بخش به اشکال موسیقایی کلام؛ یعنی سجع، جناس، واج‌آرایی و تکرار پرداخته می‌شود.

### ۱-۴-۳. تابع و متبوع با هم دارای سجع هستند

شمیسا در تعریف آن می‌گوید: «یکی از روش‌هایی است که با اعمال آن، در سطح دو یا چند کلمه (جمله) یا در سطح دو یا چند جمله (کلام) موسیقی و هماهنگی به وجود می‌آید» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۳۳).

در ترکیب زیر تنها وجه اشتراک دو واژه تابع و متبوع (دهس - پهل)، هموزنی آنهاست که در اصطلاح ادبی به این نوع هموزنی که واج مشترک پایانی نداشته باشند، سجع متوازن گویند.

-نمونه‌ای فارسی: شوخ و شنگ، تک و توک (سجع متوازن)، آش و لاش، هیچ پوچ، (سجع متوازی) و...

-نمونه‌های گویش کلهری:

دهس پهل	dæs pæl	دست و پا
---------	---------	----------

همچنین در ترکیب «گرد فرد» سجع متوازی وجود دارد؛ یعنی دو واژه، هم هم‌وزن هستند و هم حروف پایانی مشترک دارند:

گرد فرد	gerde ferd	مرتب
---------	------------	------

### ۲-۴-۳. تابع و متبوع از یک جنس (جناس) هستند

در تعریف جناس آمده است «دو یا چند کلمه در کلام (شعر یا نثر) که دارای حروفی همجنس باشند با معانی مختلف، ارزش جناس در همجنسی حروف در کلمه است که شعر را موسیقایی‌تر و نثر را منسجم و آهنگین می‌کند» (اشرف‌زاده، ۱۳۵۸: ۴۹ و ۵۰). البته جناس نه تنها شعر و نثر را موسیقایی می‌کند بلکه زبان عادی را نیز آهنگین و دلنشین می‌نماید. در ترکیب زیر هر دو کلمه از یک جنس هستند و تنها تفاوت آنها، اختلاف مصوت میانی دو واژه است.

-نمونه‌های فارسی: تته پته، شلوغ پلوغ (جناس اختلافی در صامت آغازین)، تک و توک، لات و لوت (جناس اختلافی در مصوت میانی) و...

-نمونه‌های گویش کلهری:

ژاو ژویو	ژاو ژیو	به خود پیچیدن، آشوب
----------	---------	---------------------

اما در ترکیبات «قوته قوت» و «شه‌له‌شه‌ل» که در زیر آمده‌اند، اختلاف در واک افزایشی میانی ترکیب (مصوت کوتاه -) است که به جزء اول ترکیب اضافه گردیده است:

ادعا کردن	qotæ qot	قوته قوت
لنگ لنگان (قید حالت)	ʃælæ ʃæl	شه‌له‌شه‌ل
نوعی نفرین (معادل درد بگیری!)	ʒænæʒæn	ژنه ژهن

### ۳-۴-۳. در تابع و متبوع موسیقی واج آرایبی وجود دارد

نغمه حروف یا واج آرایبی، تکرار یک واک در زبان، نثر یا شعر است که ایجاد موسیقی و طنین می‌نماید. در ترکیبات زیر تکرار یک یا چند واک منجر به هم‌آهنگی و تناسب بین تابع و متبوع گردیده است.

-نمونه‌های فارسی: اثاث ماث، بچه مچه، راست و ریس، زبر و زرنگ و ...

-نمونه‌های گویش کلهری:

گله (گوسفند و بز)	pæse puʎæ	پهس پوله (پ)
گرد و غبار	tæpe tuz	ته‌پ تووز (ت)
پنجه	tʃeŋ meŋ	چنگ منگ (ینگ)
خواب	xerpe xæw	خرپ خه‌و (خ)
صدای به هم خوردن اشیا	xeʃe xaʃ	خر خار (خ، ر)
خاک	xæʃeg maʃeg	خه‌رگ مه‌رگ (رگ)
خالی از سکنه	tʃeke tʃeʊʎ	چک چو‌ل (چ)

### ۳-۴-۴. تکرار متبوع است

فرآیندی صرفی است که بخشی از واژه یا کل آن را تکرار کرده و به پایه متصل می‌کند (ر.ک: راسخ مهند و محمدی راد، ۱۳۹۲: ۱۳۴). در گویش کلهری گاهی تابع، منجر به ایجاد فرآیند تکرار می‌شود. در این نوع ترکیبات، ساخت صوری تکرار یا کامل و بدون افزوده‌است یا همراه با واک افزوده (میانی یا پایانی) است که در هر دو صورت، این فرآیند به کلام، آهنگ و موسیقی می‌بخشد.

تکرار کامل و ناافزوده: در این فرآیند زبانی که منجر به توازن و موسیقایی شدن ترکیب می‌گردد، یک سازه به طور کامل تکرار می‌شود.

-نمونه‌های فارسی: منّ من، تلو تلو، خس خس و ...

-نمونه‌های گویش کلهری:

ته‌ی ته‌ی	tæy̆ tæy̆	قایم موشک بازی
تیه و تیه و	t̥yæw t̥yæw	بارش یکریز برف یا باران
خت خت	xet xet	صدا زدن سگ

تکرار کامل با افزودن واک میان‌ی: در این فرایند یک وند یا حرف اضافه بین قسمت پایه و قسمت تکرار شونده قرار می‌گیرد که در بخش جناس هم بررسی شد؛ مثال:

زړه زړ	zeřæ zeř	یاوه گویی
سیوله سیول	sywlæ sywl	یکریز اشک ریختن

### ۳-۵. تابع و متبوع فاقد تناسب موسیقایی‌اند

گاهی بین تابع و متبوع هیچ گونه رابطه موسیقایی وجود ندارد. در این صورت، ترکیب تنها کارکرد معنایی دارد نه موسیقایی.

-نمونه‌های فارسی: خنگ و لوک (کودن)، لوس و نر

-نمونه‌های گویش کلهری:

چه‌ق په‌ل	tʃæqe pæɫ	جر و بحث
چک‌راو	tʃeke řaw	خبر، شایعه
هر بیف	heře biv	باد و باران

### ۳-۶. اتباع فارسی در گویش کلهری

از آنجا که امروزه گویشوران این ناحیه جغرافیایی (ایوان‌غرب و گیلان‌غرب) ساخت‌هایی را از اتباع زبان فارسی در گفتار، محاورات و حتی نوشتار خود بدون تغییر یا با کم‌ترین تحول واک‌ی به کار می‌برند؛ نمونه‌هایی از اتباع فارسی در گویش کلهری بدون تغییر و تحول بوده و گویشوران کلهری، ترکیبات اتباعی زیادی از زبان فارسی را بدون دخل و تصرف اقتباس نموده‌اند و در محاورات روزمره خود به کار می‌برند. این اقتباس حاصل تأثیرپذیری آن‌ها از زبان فارسی و تبعیت از زبان ملی و رسمی کشور و همچنین نتیجه ارتباط تنگاتنگ اجتماعی این گویشوران با فارس‌زبانان است؛ مثلاً:

ئات ناشقال	?ate aʃqaɫ	آت آشغال
ئه‌خم و ته‌خم	æxme tæxm	اخم و تخم
جاروو پاروو	jaru paru	جارو پارو

چرت و پرت	tʃerte pert	چرت و پرت
دار و دسته	daru dæsæ	دارو دهسه
دم و دستگاه	dæme dæsga	دهم دهسگاه

در شواهد فوق هیچ‌گونه تحول واکه‌ی بین ترکیب فارسی و شکل دخیل فارسی آن در گویش کلهری دیده نمی‌شود. حتی گویشوران کلهری که تمایل زیادی به تقدیم جزء مهمل (تابع) و تأخیر بخش قاموسی در گویش خود دارند، تغییری در چینش این ترکیبات دخیل انجام نداده‌اند. تنها تحولی که به نظر می‌رسد، ساقط‌گردیدن (t) میانی از ترکیب «دهم دهسگاه» است که باید گفت این امر حاصل کم‌کوشی یا تحذیف و تخفیف زبان (جزء تحولات زبانی برای پرهیز از اتلاف وقت است و نوعی سایدگی زبان به شمار می‌آید) است.

- نمونه‌هایی از اتباع فارسی در گویش کلهری با کم‌ترین تحول واکه‌ی: گاهی اتباع فارسی پس از اینکه در گویش کلهری وارد می‌شوند، تغییر و تحولاتی در واکه‌های آن‌ها ایجاد می‌گردد. این بخش از اتباع، نسبت به اتباع دخیلی که بدون تغییر در گویش کلهری وارد شده‌اند، بسامد بیشتری دارند:

پیول میول	pywl mywl	پول مول
خوهر موهر	xewær mewær	خبر مبر
قرار مرار	qerar merar	قرار مدار
هارت هیورت	harte hywrt	هارت پورت

در شواهد فوق، اتباع فارسی «پول مول- هارت پورت» وقتی به گویش کلهری وارد می‌شوند، مصوت بلند (u) در آن‌ها به مصوت ترکیبی (yw) تبدیل می‌گردد و صامت (p) در بخش مهمل «هارت پورت» به صامت (h) تغییر شکل می‌دهد. دیگر این که در اتباع فارسی «خبر مبر»، صامت (b) به (w) ابدال شده و در «قرار مدار»، صامت (d) در بخش مهمل یا تابع به صامت (r) تبدیل شده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کارکرد معنایی اتباع در گویش کردی کلهری درست شبیه اتباع در زبان فارسی است؛ یعنی تابع، دارای سه کارکرد معنایی، تشدید بار معنایی متبوع، گسترش دامنه دلالت متبوع و مفهوم افزایی در زبان است.

از نظر موسیقایی و صورت ساختاری، اتباع در گویش کلهری نیز مانند اتباع در زبان فارسی عمل می‌نماید. با این تفاوت که گویشوران کلهری از نظر چینش و تقدم و تأخر تابع، بیشتر تمایل به تقدم تابع (تابع + متبوع) بر متبوع دارند اما در زبان فارسی بر عکس است. همچنین وجود اتباع گردان در زبان کردی و عدم این ساخت در زبان فارسی، نشانه یک ساخت ویژه در کاربرد این مقوله دستوری است.

دیگر اینکه اتباع فارسی دخیل در گویش کلهری در بیشتر مواقع در سطح واک‌ها دستخوش فرایندهای واکی می‌شوند و با توجه به شرایط ساختاری گویش کلهری، انطباق و تحول می‌یابند. اگر چه زبان فارسی و گردی ساختاری شبیه به هم دارند و پیوسته هم‌عرض و در ارتباط با هم و در اقتباس از یکدیگر بوده‌اند اما در شیوه کاربرد ساخت‌های زبانی و بسامد این شیوه‌ها اختلافاتی بسیار ریز و حساسی وجود دارد که بیانگر استقلال این دو زبان از همدیگر است و این پژوهش نیز می‌تواند قدمی در توجه به این ریزتمایزات باشد.

اتباع در زبان فارسی و کردی با توجه به اهمیت، بسامد و کارکرد زبانی آن نیاز به تقسیم‌بندی‌ها و بررسی‌های چندگانه‌ای دارد؛ تقسیماتی چون: توابع عطفی، توابع مهمل، توابع صوتی؛ یا بررسی‌های مقوله‌ای آن مثل بررسی معنایی اتباع، توصیف ساختاری اتباع، تحلیل موسیقایی اتباع، بررسی کارکرد اتباع و... که پرداختن به موارد ذکر شده به صورت تفکیکی می‌تواند نقش و اهمیت این نوع ترکیب زبانی را قابل توجه‌تر و برجسته‌تر نماید.

## منابع

### کتاب‌ها

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، تهران: فاطمی.
- پرهیزگاری، سعید و مجید پرهیزگاری (۱۳۸۲)، در مسیر گنگیر: جغرافیای طبیعی ایوان‌غرب، تهران: انتشارات عابد.
- جلیلیان، عباس (۱۳۸۵)، فرهنگ باشور، تهران: انتشارات پرسمان.
- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۱)، اتباع و مهملات در زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- راولینسون، هنری کرزیک (۱۳۶۲)، گذر از ذهاب به خوزستان، ترجمه اسکندر امان‌اللهی، تهران.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۷۲)، دستور زبان فارسی، تهران: اساطیر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰)، «نگاهی تازه به بدیع»، چاپ چهارم، تهران: نشر میترا.
- شوهانی، علیرضا (۱۳۹۶)، چیستان‌های ایلامی، ایلام: انتشارات زانا.
- طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۴)، اتباع، گردآورنده: اسماعیل سعادت، دانشنامه زبان ادب فارسی، جلد اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۲۰۵-۲۰۳.
- علیزاده، علی اکبر (۱۳۹۰)، تاریخ و جغرافیای تاریخی گیلانغرب، کرمانشاه: انتشارات باغ‌نی.

- کلباسی، ایران (۱۳۵۸)، ساخت آوایی اتباع در زبان فارسی، مجموعه مقالات هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، دفتر دوم، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۷۲-۶۳.
- گودرزی، علیرضا (۱۳۸۱)، ایل کلهر در دوره مشروطیت، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- محمدی، ناهید (۱۳۹۱)، کلهرنامه، تهران: انتشارات دستان.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۰)، دستورنامه، تهران: موسسه مطبوعاتی شرق.
- مشیری، مهشید (۱۳۷۹)، فرهنگ اتباع و اتباع‌سازی در زبان فارسی، تهران: آگاهان ایده.
- میرنیا، علی (۱۳۶۸)، ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران، تهران: انتشارات نسل دانش.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۴)، زبان‌شناسی و زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

#### پایان‌نامه‌ها

- دلشاد، بهناز (۱۳۸۶)، «گزارش همه سویه دیوان شاکه و خان منصور و ترجمه آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

#### مجلات

- اسماعیلی، مرتضی (۱۳۸۵)، «اتباع در فارسی دبیرستان»، مجله رشد-آموزش زبان و ادب فارسی، دوره ۲۰، شماره ۲، زمستان، صص ۱-۴.
- اشرف‌زاده، رضا (۱۳۵۸)، «کند و کاو زیباشناسانه در مورد جناس»، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۹، بهار، صص ۶۶-۶۰.
- راسخ‌مهند، محمد و محمدی‌راد، مسعود (۱۳۹۲)، «بررسی صوری و معنایی تکرار در گویش کردی سورانی»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ۳، اسفند، صص ۱۳۳-۱۴۶.
- کریمی قهی، منصوره (۱۳۹۷) «اتباع در زبان و ادب فارسی»، دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۶، شماره ۸۵، پاییز و زمستان، صص ۱۱۵-۱۳۴.